

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# فلسفهٔ تعلیم و تربیت اشراق

## جلد دوم

نظریه تربیتی

محمد بهشتی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه  
بهار ۱۳۹۴

بهشتی، محمد، ۱۳۳۳ -

فلسفه تعلیم و تربیت اشراق / محمد بهشتی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳.

ج۲. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۳۰۸ و ۳۰۹: علوم تربیتی؛ ۳۸ و ۳۹)

ISBN: 978-600-298-069-4 (ج۲)

بها: ۶۵۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-298-070-0 (دوره)

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ج۲: ص. ۱۵۵-۱۵۸. همچنین به صورت زیرنویس.

نمایه.

مندرجات: ج۱: میانجی. ج۲: نظریه تربیتی.

۱. سهروردی، یحیی بن حبش، ۴۹-۵۸۷ق. - نقد و تفسیر. ۲. اشراق (فلسفه). ۳. اسلام و آموزش و پرورش -

فلسفه. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان

۱۸۹/۱

BBR۳۷/ب۹ف۸ ۱۳۹۳

۳۷۳۴۱۹۲

شماره کتابشناسی ملی



## فلسفه تعلیم و تربیت اشراق جلد دوم (نظریه تربیتی)

مؤلف: محمد بهشتی

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (شماره انتشار: ۳۰۸ و ۳۰۹: علوم تربیتی؛ ۳۸ و ۳۹)

ویراستار: سعیدرضا علی‌عسکری

صفحه‌آرایی: اعتصام

چاپ اول: بهار ۱۳۹۴

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۶۵۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰)

نمابر: ۰۳۲۸۰۳۰۹۰، ص.پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نیش کوی اُسکو، تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۰۲۶۰۰

Email: info@rihu.ac.ir

Website: www.rihu.ac.ir

## سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی رحمته‌الله‌علیه بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد. این کتاب به‌عنوان منبع درسی برای دانشجویان رشته‌های علوم تربیتی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری فراهم آمده است که البته دیگر علاقه‌مندان به این زمینه تحقیقی نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب نظران ارجمند تقاضا می شود با راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می داند از تلاش های نویسنده گرامی، حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای محمد بهشتی، و نیز ارزیابان گرامی، آقایان دکتر سعید بهشتی، دکتر علی شیروانی و دکتر محمد داودی تشکر و قدردانی نماید.

## فهرست مطالب

پیشگفتار ..... ۱

### فصل اول: کلیات

۱. تربیت چیست؟ ..... ۷
- ۱-۱. حکمت ..... ۸
- ۲-۱. تالّه ..... ۹
- ۳-۱. تخلّق ..... ۹
۲. تجزیه و تحلیل تربیت ..... ۱۰
- ۱-۲. شوق ..... ۱۱
- ۲-۲. عروج ..... ۱۱
- ۳-۲. بقا ..... ۱۲
۳. ضرورت تربیت‌پژوهی در فلسفه اشراق ..... ۱۲
۴. ویژگی‌های نظام تربیتی اشراقی ..... ۱۵

### فصل دوم: نگاهی به مبانی تربیت در فلسفه اشراق

۱. مبانی هستی‌شناختی، خداشناختی و جهان‌شناختی تربیت ..... ۲۲
۲. مبانی انسان‌شناختی تربیت ..... ۲۹
۳. مبانی معرفت‌شناختی تربیت ..... ۳۶
۴. مبانی ارزش‌شناختی تربیت ..... ۳۸
۵. مبانی سیاسی اجتماعی تربیت ..... ۴۲

### فصل سوم: اهداف تربیت در فلسفه اشراق

- الف) هدف غائی تربیت ..... ۴۹
- ب) اهداف میانی تربیت ..... ۵۲
۱. اهداف علمی آموزشی ..... ۵۴

۵۵	اهداف اعتقادی ایمانی.....
۵۵	۱-۲. اعتقاد به خدا، ذاتی انسان است.....
۵۶	۲-۲. توحید افعالی.....
۵۷	۳-۲. صفات باری تعالی.....
۵۷	۴-۲. اعتقاد به معاد.....
۵۸	۵-۲. اعتقاد به وحی و نبوت.....
۵۹	۶-۲. التزام قلبی و عملی به دستوره‌های دینی.....
۵۹	۷-۲. کسب رضایت و محبت الهی.....
۵۹	۳. اهداف اخلاقی.....
۶۰	۱-۳. خودشناسی.....
۶۱	۲-۳. هدایت و پرورش نفس.....
۶۱	۴. اهداف شهودی.....
۶۳	۵. اهداف زیستی.....
۶۴	۱-۵. استعلا.....
۶۴	۲-۵. اعتدال.....
۶۵	۳-۵. سلامت بدن.....
۶۵	ج) اهداف جزئی.....
۶۵	۱. فلسفه ورزشی و حکمت‌آموزی.....
۶۶	۲. یادگیری معارف دینی.....
۶۷	۳. روحیه پای‌بندی به نماز، دعا و عبادت.....
۶۸	۴. مهارت‌های تمایلات.....
۶۹	۵. روحیه ساده‌زیستی.....

### فصل چهارم: اصول تربیت در فلسفه اشراق

۷۲	۱. تحول باطن.....
۷۴	۲. آخرت‌گرایی.....
۷۷	۳. ریاضت و مجاهدت.....
۷۹	۴. تدریج.....
۸۱	۵. دوام و استمرار.....
۸۲	۶. بازیابی دائم خویش.....
۸۴	۷. مهرورزی.....
۸۶	۸. تلطیف سر.....
۸۸	۹. اعتدال.....
۹۰	۱۰. کرامت.....

### فصل پنجم: روش‌های تربیت از منظر فلسفه اشراق

۹۳	الف) روش‌های خودتربیتی.....
----	-----------------------------

۹۴	۱. آموختن و یادگرفتن.....
۹۶	۲. تلقین.....
۹۸	۳. تکرار و تمرین.....
۱۰۰	۴. مراقبه و محاسبه.....
۱۰۲	۵. یاد مرگ و قیامت.....
۱۰۴	۶. خلوت، ذکر و فکر.....
۱۰۷	۷. مدیریت در خوردن، خفتن و گفتن.....
۱۰۹	ب) روش های دیگر تربیتی.....
۱۱۰	۱. روش اسوه سازی.....
۱۱۲	۲. روش بهره برداری از تمثیلات.....
۱۱۵	۳. روش تمرین و تکرار.....
۱۱۷	۴. روش داستان سرایی.....
۱۱۹	۵. روش شعله و رسازی آتش درون.....
۱۲۱	۶. روش آراسته سازی.....

### فصل ششم: برنامه درسی و محتوای آموزشی از منظر فلسفه اشراق

۱۲۵	۱. یادگیری اشراقی.....
۱۳۲	۲. ارتباط یادگیری و صفای باطن.....
۱۳۵	۳. مراحل تعلیم و تربیت.....
۱۴۰	۴. محتوای تعلیم و تربیت.....
۱۴۱	تعریف.....
۱۴۱	ویژگی های مواد آموزشی در فلسفه اشراق.....
۱۴۲	۱. رعایت اولویت ها.....
۱۴۲	۲. استفاده از تجربه ها و میراث گذشتگان.....
۱۴۳	۳. توجه به فراگیری آموزه های رایج و متعارف.....
۱۴۴	۴. چگونگی ارائه مواد آموزشی.....
۱۴۵	۵. ویژگی های مربی و متربی و معلم و متعلم.....
۱۵۰	۶. آموزش های خاص.....
۱۵۵	منابع و مآخذ.....

### نمایه ها

۱۵۹	نمایه آیات.....
۱۶۰	نمایه روایات.....
۱۶۱	نمایه اشخاص.....
۱۶۳	نمایه موضوعات.....





## پیشگفتار

فلسفه اشراق در زمینهٔ تعلیم و تربیت به معنای خاص آن و به‌ویژه در قالب و ساختار نوین، به‌طور مستقیم سخن نگفته و در این عرصه فصل مستقلی باز نکرده است. اما از آنجا که این مکتب فلسفی، فلسفه‌ای به رنگ عرفان است و مفروضات اساسی آن، یعنی نظام نوری، علم‌النفس، مباحث اخلاقی و به‌طور اخص دستورالعمل‌های سلوکی آن با تعلیم و تربیت، به‌ویژه با تربیت معنوی ارتباط عمیق و وثیق دارند، می‌توان نظام تربیتی اشراقی، یعنی مبانی، اهداف، اصول، روش‌ها و مراحل تربیت و نیز لوازم و نتایج و دلالت‌های تربیتی آن در موارد خاص چون برنامه درسی و محتوای آموزشی، روش تدریس، ویژگی‌های مربی، متربی و... را از مفروضات فلسفی و زیرساخت‌های اشراقی و نیز از مطالبی که در زمینهٔ یافته‌های آموزشی و پرورشی اشراقی و سیروسلوک نفسانی و اخلاقی بیان شده استنباط و استخراج کرد.

در اینجا لازم می‌دانم روش تحقیقی را که در این پژوهش به‌کار برده‌ام و بدان طریق مسائل تعلیم و تربیت اشراقی را به دست آورده‌ام، توضیح دهم؛ زیرا روش تحقیق، اصلی‌ترین نقش را در دستیابی به اهداف تحقیق دارد و پژوهشگر از طریق به‌کارگیری آن به پاسخ سؤال‌های اصلی و فرعی تحقیق خود دقیق‌تر، سریع‌تر و آسان‌تر می‌رسد. همچنین پس از پایان تحقیق در صورتی که روش تحقیق توضیح داده شود و مخاطبان بدانند این پژوهش چگونه و با چه روشی به‌سامان رسیده است، بی‌تردید دیدگاه‌ها و سطح مطالبات و توقعات آنان هدایت می‌شود و محدودیت‌های پژوهشگر نیز در آن تحقیق معلوم می‌شوند. بنابراین، مشخص شدن روش تحقیق در هر پروژه تحقیقاتی نتایج بسیاری در پی دارد، اما با این وصف، آنچه امروزه بیشتر در یک تحقیق علمی مورد توجه قرار می‌گیرد، موضوع تحقیق است و غالباً روش تحقیق، که

اصلی‌ترین نقش را در عرصه پژوهش دارد، مغفول می‌ماند. به هر تقدیر، محقق علوم تربیتی و دیگر رشته‌ها باید بتواند از میان روش‌های تحقیق پُرشمار، معلوم کند کدام روش برای کدام موضوع و در هر مرحله از تحقیق مناسب‌تر است و آن را به کار گیرد.

چنان‌که می‌دانیم روش تحقیق در یک طبقه‌بندی، به روش تحقیق کمی و کیفی و ترکیبی تقسیم می‌شود و هرکدام مشتمل بر روش‌های پرشماری است که در کتاب‌های روش تحقیق بدان‌ها پرداخته شده و ضوابط و قواعد هر یک بیان شده است.<sup>۱</sup> روش تحقیق ما در زمینه تعلیم و تربیت اشراقی بدین صورت بوده که هر جا سهروردی از مباحث تربیتی سخنی داشته و به صراحت آن را بیان کرده است، گزینش و بدان پرداخته‌ایم؛ اما هر جا نیاز به استفاده از روش خاص تحقیق بوده است با دو روش پیش رفته‌ایم؛ یکی روش تحلیل متن و دیگری روش استنباطی.

از پرکاربردترین روش‌های تحقیق در علوم انسانی روش تحلیل متن است، در کتاب‌های روش تحقیق این روش را با عبارت‌های مختلف تعریف کرده‌اند، مقصود ما از تحلیل متن و به طور دقیق آن روشی که آن را در اینجا به کار برده‌ایم، عبارت است از تحلیل و ترکیب و تفسیر نظام‌مند از اطلاعات و داده‌هایی که محقق دیگر آنها را در کتاب، مقاله، رساله یا هر اثر دیگر خود گرد آورده است. در حقیقت در تحلیل متن، در آغاز متن به صورت دقیق، منظم و جامع، مطالعه، تحلیل و تفسیر می‌شود و با مرتبط ساختن و ترکیب داده‌های مختلف مطالبات پژوهشی به دست می‌آید و از داده‌های پیدای متن، لایه‌های پنهان آن استخراج می‌شود.

در زمینه مسائل تعلیم و تربیت اشراقی نیز در هر مورد که فلسفه اشراق به طور مستقیم در آن خصوص سخن نگفته است، مسئله تربیتی بر مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی اشراقی مقایسه می‌شود و با نگاه تربیتی و به قصد رسیدن به دلالت‌های تربیتی، متن، یا متون مربوط تفسیر و تحلیل دقیق و نظام‌مند می‌شود و از داده‌ها و یافته‌های موجود به کمک تجزیه و تحلیل و تفسیر و ترکیب اطلاعات، دلالت‌های تربیتی به دست می‌آید. برای مثال، در فلسفه اشراق تأمل درونی و مجاهدت باطنی جایگاه ویژه‌ای دارند

۱. ر.ک: لطف‌آبادی، روش‌شناسی پژوهش در روان‌شناسی و علوم تربیتی؛ محمدپور، روش تحقیق کیفی؛ بیابانگرد، روش‌های تحقیق در علوم انسانی و اجتماعی؛ هومن، راهنمای علمی پژوهش کیفی، نادری، روش‌های تحقیق در علوم انسانی؛ برایانز، روش‌های کمی و کیفی تحقیق، ترجمه لیلا سازگار و ...

و نسبت به آنها تأکید و حساسیت ویژه‌ای وجود دارد و به صورت مکرر با عبارات‌های گوناگون بدان پرداخته شده و آثار و نتایج و موقعیت آن باز شکافی شده است. ما با توجه به معنا و مفهوم و ماهیت و حقیقت اصل تربیتی و آرایش تربیتی آن و نیز با عنایت به عبارات‌های موجود درباره تأمل درونی و مجاهدت باطنی و تحلیل و بررسی آنها، به این مطلب دست یافته‌ایم که باطن‌گرایی یک اصل تربیتی است؛ از این رو با تجزیه و تحلیل دقیق و نظام‌مند اصل باطن‌گرایی را استخراج کرده‌ایم و در موارد دیگر نیز به همین ترتیب پیش رفته‌ایم.

اما روش دوم که ما از آن بهره برده‌ایم روش استنباطی است. چنان‌که می‌دانیم این روش را فقیهان و دانشوران اصول فقه و عالمان دینی در تحقیقات و بررسی‌های خود به کار می‌گیرند، گو اینکه این روش در علوم انسانی، از جمله در تربیت پژوهشی نیز به کار گرفته می‌شود؛ از نام این روش پیداست که بر مجموعه‌ای از قواعد و فنون استنباطی و اجتهادی مشتمل است و با گذر از مراحل خاص و با اعمال و به‌کارگیری قواعد و فنون استنباط می‌توان به نتایج مورد تحقیق دست یافت. مراحل که در این روش باید طی شوند عبارت‌اند از:

۱. گردآوری اطلاعات و داده‌های مربوط به موضوع تحقیق، البته با مراجعه به متون اصلی و دست اول و با التزام به اثبات اسنادی متن؛
۲. فهم و درک صحیح و دقیق متن واحد، یا متون متعدد و حصول اطمینان نسبت به دریافت مفهوم آن متون با اعمال جهات فنی متن؛
۳. استفاده کردن از امارات، قرائن، دلالت‌ها و اشارت‌های متنی و نیز شواهد و نشانه‌های غیرمتنی؛

۴. تطبیق مجموعه اطلاعات گردآمده در موضوع مورد تحقیق، با مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی مسئله مورد تحقیق؛

۵. دستیابی به یک، یا چند دلالت تربیتی از مجموعه داده‌ها و یافته‌ها و اطلاعات متنی. برای مثال؛ سهروردی خطاب به سالکان کوی دوست و عاشقان خدا از خلوت عارفانه سخن گفته است و بدان تأکید کرده است، حال مقصود وی از خلوت چیست؟ آیا ترک زندگی و جامعه است؟ آیا در کنجی به دور از دیگران نشستن و ذکر گفتن است، یا امر دیگری است؟ با بررسی آنچه سهروردی در این باره گفته به این مطلب می‌رسیم که مقصود از خلوت این نیست که فردی در مکانی تنها و به دور از حضور دیگران زندگی کند، اما در عین حال در حصار خواطر، وساوس نفس، مألوفات و مُشتهیات نفسانی خود گرفتار باشد، بلکه

خلوت‌گزینی مسبوق به چیزی است که با آن گوهر یکتا همه نام‌ها، یادها، نازها، نیازها، خواسته‌ها، خواطر و دلبستگی‌ها زائل می‌شود، یا رنگ می‌بازد و آن محبت و دلدادگی و بندگی و عبودیت است و پیداست که لازمه این حالت نفسانی تداوم طهارت، تدام روزه‌داری، کنار گذاردن پُرخوری، پرگویی و پرخوابی است و تلاش در نفی خواطر با اشتغال دائم به فکر و ذکر است؛ هرچند شخص سالک در میان جمع مردم باشد.

به هر تقدیر، در این پژوهش ما با جمع‌آوری، تحلیل و ترکیب و تفسیر داده‌ها و اطلاعات که از آثار سهروردی و دیگر حکیمان اشراقی در اختیار داریم در پی استخراج و استنباط مسائل تعلیم و تربیت اشراق هستیم. لازم است یادآوری شود که بنای این پژوهش بر استفاده مستقیم از آثار سهروردی است؛ از این رو مجموعه مصنفات شیخ اشراق که در چهار جلد در دسترس است مطالعه و بررسی شد؛ همچنین از شرح‌های حکمة‌الاشراق؛ همچون شرح علامه شهرزوری و علامه قطب‌الدین شیرازی و شرح هروری و نیز از تعلیقات بر حکمة‌الاشراق که از سوی بزرگانی چون صدرالمتهلین شیرازی نگاشته شده، استفاده شده است. افزون بر اینها، از کتاب‌ها و آثار و مقالاتی که درباره فلسفه اشراق نگاشته شده بهره‌افر بردیم و آنگاه با به‌کارگیری روش‌های تحقیق تحلیل متن و استنباطی از اطلاعات و داده‌های اشراقی مسائل تربیتی را در قالب و ساختار و ادبیات روز ارائه کردیم.

براین اساس، مسائل تعلیم و تربیت در فلسفه اشراق استخراج و استنباط شده و در پنج فصل به شرح ذیل بررسی خواهند شد:

۱. فصل نخست به کلیات پژوهش؛ مفهوم‌شناسی، بیان مسئله و جزئیات مربوطه اختصاص داده شده است و از معنا و مفهوم تربیت از نگاه فلسفه اشراق، ماهیت و خاستگاه تربیت در رویکرد اشراقی، ضرورت پژوهش تربیتی در فلسفه اشراق، ویژگی‌های نظام تربیتی اشراقی و اقسام تربیت در رویکرد اشراقی بحث خواهد شد.

۲. در فصل دوم مبانی و زیرساخت‌های تربیت مورد بررسی قرار می‌گیرد و نگاه حکمت اشراق در مورد عوالم هستی، انسان، علم و معرفت، ارزش‌ها و جامعه و سیاست تبیین می‌گردد. در این فصل به مناسبت از عوامل تربیت نیز بحث خواهد شد.

۳. فصل سوم درباره اهداف و اصول تربیت است و در آن از هدف غائی تربیت و نیز از اهداف واسطه‌ای و جزئی و همچنین از اصول تربیت از نگاه فلسفه اشراق سخن می‌گوییم.

۴. روش‌های خودتربیتی و دیگر تربیتی در فصل چهارم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## پیشگفتار ۵

۵. فصل پایانی به بیان نکاتی درباره برنامه درسی اشراق اختصاص یافته است. در این فصل به بحث‌هایی در زمینه یادگیری، محتوای تعلیم و تربیت، مراحل تعلیم و تربیت، ویژگی مربی و مربی و معلم و متعلم و... پرداخته می‌شود.

در خاتمه، الطاف بیکران خدای رثوف رحیم را سپاس می‌گزارم و به پیشگاه حضرت ختمی مرتبت و اهل بیت پاکش درود می‌فرستم. وظیفه خود می‌دانم از همه سروران عزیزی که در سامان یافتن این تحقیق همراهی و مساعدتم کردند، به‌ویژه از گروه علوم تربیتی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و ارزیابان محترم که با بیان نکات ارزنده در اتمام بیشتر این اثر کوشیدند، قدردانی کنم و نیز از بخش‌های اجرائی، گروه امور پژوهشی، اداره چاپ و انتشارات و کتابخانه پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تشکر کنم.

محمد بهشتی

تابستان ۱۳۹۳



## فصل اول

### کلیات

#### ۱. تربیت چیست؟

واژه تربیت از ریشه رَبَوَ، یا رَبَبَ اشتقاق یافته و به معنای فزونی دادن، رشد و نمو کردن، پروردن و پرورش یافتن و سوق دادن شخص به سوی کمال است.<sup>۱</sup> البته با توجه به بار معنایی گسترده پروردن و پرورش یافتن و نیز زوایا و ابعاد تربیت، صاحب نظران حوزه تعلیم و تربیت و دانشوران علوم تربیتی به اقتضای نوع نگرش خود تربیت را تعریف کرده و در آن به نکاتی ارزشمند اشاره کرده‌اند،<sup>۲</sup> اما باید اعتراف کنیم، به رغم تعریف‌های فراوانی که از تربیت شده، تلاش برای یافتن تعریف جامع و به‌طور کامل بی‌عیب امری بس دشوار است؛ زیرا انسان، به‌عنوان موضوع تربیت، موجودی ناشناخته است و همواره و گاه‌گاه جنبه‌ای از شئون وجودی او مکشوف می‌شود. وانگهی، تعریف تربیت با نوع نگاه افراد به جهان، انسان، اهداف، آرمان‌ها و ارزش‌ها ارتباط وثیق دارد و با لحاظ نوع نگاه، تعریف نیز متعدد و متنوع می‌شود و هر دانشوری بر پایه نوع رویکردش تربیت را تعریف می‌کند. براین اساس آنچه را سهروردی در مورد تربیت بیان داشته و واژه‌هایی که انتخاب کرده و معنا و مفهومی که از آن ارائه داده است، به‌طور کامل با نوع نگاه او منطبق است و بیشتر ناظر به پرورش روحی و معنوی است و گویا ساحت‌های گوناگون تربیت را در یک ساحت خلاصه کرده است.

بررسی‌های ما نشان می‌دهند که سهروردی در آثار خویش واژه‌های تربیت و واژه‌های

---

۱. ابن فارس، ترتیب معجم مقاییس اللغة، ص ۳۵۶ و ۳۶۱؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۹۴-۹۵ و ۱۲۶؛ دهخدا، لغتنامه، ج ۱۴، ص ۵۰۵.

۲. میلاره، معنی و حدود علوم تربیتی، ص ۲-۳.

نزدیک به معنای تربیت، نظیر تدبیر و تأدیب اولاد را به کار نبرده است، اما علامه شهرزوری، شارح حکمة الاشراق، از این واژه‌ها برای طرح مباحث تربیت اولاد استفاده کرده است.<sup>۱</sup> نکته کلیدی بحث این است که چون رویکرد سهروردی در زمینه تربیت، پرورش روحی و معنوی است، وی در ضمن مباحث خویش واژه‌هایی را مورد توجه ویژه قرار داده که معنا و مفهوم آنها رشد روحی و معنوی هستند؛ از این رو، اگر بخواهیم واژه تربیت را با رویکرد خاص سهروردی معنا کنیم باید اذعان کرد که مقصود وی از تربیت، ربانی شدن و خداگونه شدن است؛ یعنی از سلطه عوامل غریزی، حیوانی، مادی، محیطی و اجتماعی خارج شدن و به خدا نزدیک شدن و الهی و آسمانی شدن؛ اما واژه‌هایی که سهروردی در این راستا به کار برده است واژه‌های حکمت،<sup>۲</sup> تالّه،<sup>۳</sup> تخلّق،<sup>۴</sup> ریاضت،<sup>۵</sup> سلوک<sup>۶</sup> و تجرید هستند.<sup>۷</sup> برای روشن شدن مقصود وی سه واژه نخست را بررسی می‌کنیم.

### ۱-۱. حکمت

در نگرش اشراقیان، معنا و مفهوم حکمت دریافت متن واقع است.<sup>۸</sup> در این نگاه، حکیم کسی است که در اثر سیر و سلوک و تهذیب نفس و تأمل باطنی، تربیت یافته و ربانی و خداگونه شده و توانسته است به عالم انوار عروج کرده، امور روحانی را رصد کند و حقایق را دریافت دارد و در اشیا و اشخاص تصرف کند<sup>۹</sup> و لایق دریافت خُره کیانی و فرّ نورانی شود،<sup>۱۰</sup> چنان که آهن بر اثر همنشینی با آتش تفته می‌گردد و آتش گونه می‌شود و به سان آتش می‌سوزاند.<sup>۱۱</sup> بنابراین، از نگاه شیخ اشراق حکمت به لحاظ غایت و هدف، رسیدن به متن واقع است و این همان تربیت معنوی و عرفانی است. عارفان مسلمان چون به متن واقع دست یافته‌اند حکیم واقعی و دارای حکمت حقه هستند؛ برخلاف بسیاری از فیلسوفان برجسته اسلامی مانند فارابی

۱. شهرزوری، رسائل الشجرة الالهيه، ج ۱، ص ۴۹۶-۵۰۲.

۲. شیخ اشراق، مجموعه مصنفات، ج ۱، ص ۱۴۵، ۱۹۰، ۱۹۲ و ۱۹۵.

۳. همان، ج ۳، ص ۱۲-۱۳.

۴. همان، ص ۳۹۰.

۵. همان، ص ۳۹۶؛ ج ۲، ص ۲۷۱.

۶. همان، ج ۱، ص ۱۴۵ و ۵۰۵.

۷. همان، ص ۱۱۳، ۱۹۹ و ۷۳-۷۴.

۸. همان، ج ۱، ص ۵۰۳؛ ج ۳، ص ۱۹۹.

۹. همان، ج ۱، ص ۵۰۴؛ ج ۳، ص ۸۱.

۱۰. همان، ج ۱، ص ۵۰۳.



و ابن‌سینا که دارای حکمت حقه نیستند.<sup>۱</sup> وی اذعان دارد اگر تربیت معنوی و سیروس‌سلوک نفسانی نباشد، راه حکمت حقه بسته خواهد ماند.<sup>۲</sup>

### ۱-۲. تأله

یکی از واژه‌های کلیدی در فهم اندیشه تربیتی اشراقی واژه تأله است که معنا و مفهوم آن تربیت معنوی و حقیقی است. مقصود از تأله اتصال به عالم انوار و تشبّه به نورالانوار پیدا کردن و خداگونه شدن است.<sup>۳</sup> پیداست غایت کمال بنده آن است که به حق تعالی تشبّه پیدا کند.<sup>۴</sup> چنان‌که شارحان حکمة‌الاشراق گفته‌اند، غایت حکمت تشبّه به خدا و تخلّق به اخلاق و صفات الهی است.<sup>۵</sup> جالب است بدانیم تأله و خداگونه شدن نکته‌ای است که مکرر در نوشته‌های افلاطون نیز آمده است، از آن جمله می‌نویسد:

باید بکوشیم تا هرچه زودتر از اینجا بدان عالم بگریزیم و راه رسیدن به آن عالم این است که تا آنجا که برای آدمی میسر است همانند خدایان شویم و همانند خدایان هنگامی توانیم شد که از روی دانش از عدالت پیروی کنیم.<sup>۶</sup>

در نظر سهروردی، حکیم متأله کسی است که رنگ الهی پیدا کرده و قدسی و معنوی شده تا بدان پایه که بدن او به سان پیراهن اوست که هرگاه بخواهد آن را بر تن کند، یا آن را بر کند و بر خلع بدن و عروج به عالم انوار توانا باشد.<sup>۷</sup>

### ۱-۳. تخلّق

واژه تخلّق نیز در آثار شیخ اشراق به کار رفته و به معنای ساخته شدن، شکل گرفتن و تغییر شکل دادن و شاکله‌یابی براساس ارزش‌هاست.<sup>۸</sup> این معنا و مفهوم با معنای تربیت اخلاقی و معنوی یکسان است.

کوتاه سخن اینکه، شیخ اشراق اعتقاد دارد در درون انسان توانمندی‌ها و قابلیت‌های فراوان

---

۱. همان، ص ۷۳-۷۴، ۳۶۱ و ۵۰۳.  
۲. همان، ص ۳۶۱.  
۳. همان، ج ۲، ص ۱۲-۱۳؛ ج ۳، ص ۳۲۸.  
۴. همان، ج ۳، ص ۳۲۸.  
۵. شیرازی، شرح حکمة‌الاشراق، ص ۴-۵.  
۶. افلاطون، دوره آثار افلاطون، ترجمه لطفی و کاویانی، ج ۳، ص ۱۴۱۲-۱۴۱۳.  
۷. شیخ اشراق، مجموعه مصنفات، ج ۱، ص ۵۰۳. ۸. همان، ج ۳، ص ۳۹۰-۳۹۱.

وجود دارد و به فعلیت رساندن بذره‌های بالقوه انسان، به‌ویژه توانمندی‌های معنوی او تحقق عینی تربیت است؛ البته در صورتی که به شهود حق تعالی و عروج به عوالم نور و حصول مقام قرب و فنا منتهی شود.<sup>۱</sup> وی نام این فرایند را حکمت، تأله، تخلّق، ریاضت و سلوک نهاده است که تعبیرهای گوناگونی از تربیت معنوی هستند. بنابراین، متربی و سالک با ریاضت و تن دادن به سختی‌ها و تهذیب نفس، روح او پرورش می‌یابد و رنگ الهی می‌گیرد و به کمالات شایسته می‌رسد. پیداست این نگاه به معنا و مفهوم تربیت نگاه ویژه اشراقی و عرفانی است. در پایان توجه به این نکته ضروری است که تربیت به معنای یادشده، یا در هر معنا و مفهومی که در نظر گرفته شود، سه رکن اساسی دارد؛ اول، تغییر و تحوّل؛ دوم، تدریج و اندک‌اندک جلو رفتن؛ سوم، تحقق عینی قابلیت‌ها. پیداست در معنا و مفهوم و در تاروپود حکمت، تأله، تخلّق و تربیت، تغییر و تحوّل و شکل گرفتن تدریجی که اندک‌اندک و در طول زمان به دست می‌آید و نیز تحقق عینی و شکوفاسازی قابلیت‌ها و توانمندی‌ها وجود دارد و به‌طور اصولی جهت اصلی کار تربیتی، حرکت به سوی شکوفاسازی توانمندی‌هاست. به‌هرحال، تعریف خاص سهروردی از تربیت و استخدام واژه‌های هم‌معنا و نیز توجه او به تاروپود اساسی تربیت و حکمت و تأله و تخلّق همه و همه، مرتبط با نوع نگاه او به انسان، جهان و عوالم وجود است.

## ۲. تجزیه و تحلیل تربیت

نوع نگاه و نگرش و تفسیر و تحلیل سهروردی از ماهیت و حقیقت تربیت بدیع و درخور دقت است؛ زیرا اول تعلیم و تربیت را یک امر قدسی و آسمانی دانسته است.<sup>۲</sup> ازاین‌رو، خداوند کریم، فرشتگان و پیامبران الهی را به‌عنوان سرسلسله معلمان و مربیان انسان معرفی کرده است.<sup>۳</sup> دوم، تربیت را امری ریشه‌دار و عمیق و وثیق دانسته و ماهیت و حقیقت آن را محصول سه امر بنیادین، یعنی شوق، عروج، و بقا شمرده است. گفتنی است استخراج و استنباط این مطلب با نگاه جامع به گفته‌ها و یافته‌های شیخ اشراق که به صورت پراکنده در آثار وی موجودند حاصل شده است. توضیح مؤلفه‌های یادشده بدین شرح است:

۲. همان، ج ۳، ص ۱۸۰.

۱. همان، ج ۲، ص ۲۷۱.

۳. همان، ص ۱۸۰-۱۸۱.

## ۲-۱. شوق

خداوند حکیم همه موجودات عوالم وجود را با رشته‌ای استوار، زیبا و لطیف به نام شوق و عشق به یکدیگر پیوند داده است؛ زیرا نظام هستی منظومه‌ای بس زیبا و یگانه و گردآمده از علل و معالیل است و می‌دانیم که برخی آفریدگان، علت و برخی معلول‌اند و در ساختار ذاتی، معلول تمایل و شوق به علت نهاده شده و در سرشت علت، رأفت و رحمت نسبت به معلول قرار داده شده است. این اشتیاق متقابل در تک‌تک موجودات، از جمله در میان والدین و فرزندان، فراگیران و معلمان، متریان و مربیان و در روابط کوچک‌ترها با بزرگ‌تر به‌طور کامل مشهود است و بدین سبب والدین و معلمان و مربیان و رهبران که آفریننده تحول و تغییرند نسبت به متعلمان و متریان که تغییرپذیرند، تعلق خاطر و تمایل داشته و آنان را دوست دارند و همین علاقه و شوق انگیزه اساسی است که زمینه تعلیم و تربیت فرزندان و دانش‌آموختگان را فراهم آورند و از آن سوی فرزندان و متریان نیز به سوی والدین، معلمان و مربیان تعلق خاطر دارند و همین امر موجب می‌شود که تن به تعلیم و تربیت دهند.<sup>۱</sup> بنابراین، پایه اساسی و زمینه بنیادین و ذاتی تعلیم و تربیت شوق و انگیزش ذاتی و ساختاری است که در ذات و سرشت علل و معالیل به صورت ساختاری نهاده شده است و تربیت بازتاب همین شوق و اشتیاق متقابل است.

## ۲-۲. عروج

شیخ اشراق اعتقاد دارد افزون بر اشتیاق ذاتی و ساختاری علل و معالیل به یکدیگر، شوق دانستن و عروج کردن نیز در ساختار وجودی هر فردی از افراد انسان تعبیه شده است؛ هر فردی دوست دارد از طریق دانایی به کمال عروج کند و همین امر موجب می‌شود انسان با تلاش و کوشش بی‌دریغ و با بهره‌گیری از سرمایه‌های درونی و بیرونی و با بهره‌گیری از اندیشه، شهود و آموزه‌های دینی مدارج کمال را بییماید و به مقام انسان کامل نائل آید. یعنی افزون بر اینکه با عالم ماده و طبیعت و قوانین و سنن حاکم بر آن آشنا می‌شود و جهان طبیعت را در تسخیر خود درمی‌آورد، همچنان تلاش کند عوالم وجود و مبدأ عالم را بشناسد و قرب وجودی پیدا کند و از اشراقات و انوار الهی بهره‌مند شود و به عوالم نور راه یابد و در نتیجه همه توانمندی‌ها و سرمایه‌های بالقوه او به فعلیت برسند و به اوج کمال عروج کند.<sup>۲</sup> حقیقت تعلیم و تربیت نیز همین امر است.

۱. همان، ج ۲، ص ۱۴۸، ۲۱۳، ۲۱۴، ۱۳۵-۱۳۶ و ۲۰۴؛ ج ۳، ص ۴۶۵.

۲. همان، ج ۲، ص ۲۱۰-۲۳۲ و ۲۷۱؛ نیز: ج ۱، ص ۱۱۲-۳۶۱ و ۵۰۲-۵۰۳؛ ج ۳، ص ۲۶۸؛ ج ۴، ص ۱۰۲ و ۱۳۴.

## ۲-۳. بقا

جهت و مدار تربیت از نگاه شیخ اشراق بقاست. او می‌گوید: آن کس که بتواند مسیر کمال را طی کند و از حقایق عالم رمزگشایی کند به گنج بزرگ دست یافته و باقی خواهد ماند. مسیر این فرایند، ذوق، شوق، عشق، وصال، فنا و بقاست و در پس آن، کمالی نیست.<sup>۱</sup>

نتیجه ژرف‌اندیشی در گفته‌ها و یافته‌های شیخ اشراق در زمینه تربیت که با عناوین حکمت،<sup>۲</sup> تخلُّق،<sup>۳</sup> تالّه،<sup>۴</sup> ریاضت،<sup>۵</sup> سلوک نفسانی<sup>۶</sup> و تجرید<sup>۷</sup> از آن یاد کرده، این است که تربیت از نگاه وی، تربیت معنوی است و سه مرحله دارد؛ در مرحله نخست انسان از دلدادگی و دلبستگی‌های مادی رهایی می‌یابد و در میانه راه چشم او تیزبین می‌شود و انوار الهی را مشاهده می‌کند و حقایق عوالم وجود را به‌درستی می‌شناسد و اما پایان تربیت و حکمت بی‌نهایت است و خداوند می‌داند که فراروی انسان چه کمالاتی نهاده شده است.<sup>۸</sup>

براساس این نگرش آن دسته از مریبان و متریبانی که در تکاپوی دنیا و تعلقات آن به‌سرمی‌برند و دلداده‌مظاهر و دلبستگی‌های مادی هستند، هنوز تربیت نشده‌اند و حتی مرحله نخست آن را طی نکرده‌اند. همچنین کسانی که دلبسته دنیا نیستند و آگاهی‌هایی دارند، اما هنوز به مرحله شهود نرسیده‌اند و توفیق نیافته‌اند که عوالم وجود و حقایق ربانی را مشاهده کنند و به معرفت مفارقات باریابند و به مقام دریافت انوار الهی نائل شوند، اینان نیز تربیت نیافته‌اند و هرگز نمی‌توان آنان را حکیم دانست؛<sup>۹</sup> اما کسانی که در صراط مستقیم تربیت قرار گرفته و آن را ادامه داده‌اند، بی‌تردید این افراد از تعلقات و وابستگی‌های بیرونی و درونی رهایی یافته‌اند و همین امر نوید لقا و وصال و بقا دارد و پیداست واصلان وصال یار از لذتی بهره‌مندند که هرگز به لذت‌های دنیایی نمی‌نگرند.

## ۳. ضرورت تربیت‌پژوهی در فلسفه اشراق

ضرورت تربیت‌پژوهی و استخراج دلالت‌های تربیتی فلسفه اشراق با عنایت به سه امر تبیین و اثبات می‌شود؛ یکی، پایه‌های اساسی فلسفه اشراق، دوم، نوع شخصیت بنیان‌گذار فلسفه اشراق

- 
- |                                  |                                      |
|----------------------------------|--------------------------------------|
| ۱. همان، ج ۳، ص ۴۶۵.             | ۲. همان، ج ۱، ص ۱۴۵، ۱۹۰، ۱۹۲ و ۱۹۵. |
| ۳. همان، ج ۳، ص ۳۹۰.             | ۴. همان، ج ۲، ص ۱۲-۱۳.               |
| ۵. همان، ج ۳، ص ۳۹۶؛ ج ۲، ص ۲۷۱. | ۶. همان، ج ۲، ص ۱۰ و ۲۵۵.            |
| ۷. همان، ج ۱، ص ۱۴۵ و ۵۰۵.       | ۸. همان، ۱۹۵.                        |
| ۹. همان، ص ۱۴۵ و ۱۹۰-۱۹۱.        |                                      |

و سوم، تجربه‌های عرفانی و سنخ توصیه‌های اخلاقی، تربیتی و معنوی که در مجموعه آثار شیخ اشراق دیده می‌شود.

اما پایه‌های اساسی فلسفه اشراق؛ مکتب فلسفی اشراق دو پایه و اساس برجسته دارد؛ یکی نظام نوری و دیگری معرفت‌النفس، نظام نوری نگاه ویژه فلسفه اشراق به نظام هستی است. در این نگرش جهان ماده و طبیعت به‌عنوان نقطه عزیمت و حرکت انسان به سوی عوالم وجود و مبدأ آن نورالانوار شناخته شده است. پیداست این حرکت و عزیمت به سوی نورالانوار از تربیت انفکاک‌ناپذیر است؛ افزون بر اینکه نقطه آغاز نظام نوری نفس آدمی است که هویت نوری و ادراکی دارد و انسان می‌تواند با معرفت نفس و سیر باطنی و تأملات درونی به دریافت انوار گوناگون نائل گردد و از اسرار عوالم وجود آگاه شود و به هدف تربیت برسد.<sup>۱</sup> نکته درخور دقت این است که در فلسفه اشراق چگونگی سیر باطنی و سلوک نفسانی مورد توجه ویژه قرار گرفته و به منظور به کمال رسیدن انسان، راهکار عینی نشان داده شده است. پیداست استخراج دلالت‌های تربیتی این مکتب ضرورت ویژه پیدا می‌کند.<sup>۲</sup>

اما سبک زندگی مؤسس مکتب اشراق؛ بنیان‌گذار مکتب اشراق از آغاز جوانی به سوی حیات معنوی و ریاضت و مجاهدت نفسانی کشیده شد و تمام عمر کوتاه خود را وقف ریاضت، مجاهدت مستمر و در شناخت حقایق و معارف الهی و عوالم وجود کرد و از این رهگذر به یافته‌های تربیتی، عرفانی و اشراقی دست یافت.<sup>۳</sup> و آن یافته‌ها را همراه با تحلیل و تفسیر فلسفی به‌عنوان مکتب اشراق در آثار خود به یادگار گذاشت.<sup>۴</sup> این سبک زندگی به‌ویژه با آن ریاضت‌های سنگین در مورد فیلسوفان دیگر بی‌سابقه است.<sup>۵</sup>

اما تجربه‌های عرفانی و بُن‌مایه یافته‌های او این است که شرط دستیابی به حکمت واقعی مجاهدت نفسانی و ریاضت مستمر و بهره‌مندی از تربیت معنوی است. شاهد آشکار این اندیشه توصیه‌ای است که در پایان کتاب حکمة‌الاشراق به شیفتگان دریافت معارف باطنی و اشراقی دارد؛ توصیه وی چنین است: آنان که در پی معارف اشراقی‌اند، پیش از یادگیری باید

۱. همان، ص ۵۰۵؛ ج ۲، ص ۱۰۶-۱۵۰.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۵۶-۲۷۱ و نیز: ج ۱، ص ۲۵۵.

۳. همان، ج ۲، ص ۱۰.

۴. همان جا.

۵. همان، ج ۱، ص ۵۰۵؛ ج ۳، ص ۱۶-۲۲ و ۲۶، مقدمه.

چهل روز به ریاضت و مجاهدت نفسانی پردازند و از آنچه مرتبط با حیات حیوانی است خودداری کنند و زمینه توجه به عالم باطن و انقطاع الی الله را فراهم آورند و آنگاه به فراگیری حکمت اشراق پردازند.<sup>۱</sup>

پیداست این سبک زندگی و طرز تفکر و نگرش خاص که مجاهدت نفسانی و ریاضت مستمر را پایه و اساس و شرط حصول معارف قبلی و معیار دستیابی به حکمت و فلسفه می‌داند، بی‌تردید نوعی خاص از تعلیم و تربیت را ترسیم می‌کند و ضرورت دارد دلالت‌های تربیتی چنین مکتبی تبیین شود.

گذشته از این، تبیین دلالت‌های تربیتی مکتب فلسفی اشراق به‌عنوان یکی از سه مکتب بزرگ فلسفی اسلام، خود موضوعیت دارد و حائز اهمیت است. به‌ویژه اینکه بسیاری از فیلسوفان و ارباب حکمت و فلسفه پس از شیخ اشراق از نگرش اشراقی وی تأثیر جدی پذیرفته‌اند.<sup>۲</sup> افزون بر آنچه بیان شد؛ دو نکته نیز حائز اهمیت‌اند، یکی سیطره قرآن کریم و حدیث بر مکتب اشراق و دیگری مشتمل بودن این مکتب بر حکمت عتیق یونان و ایران. این دو امر ایجاب می‌کنند دلالت‌های تربیتی فلسفه اشراق استخراج و تبیین شوند. اما سیطره قرآن کریم و حدیث بر مکتب اشراق انکارناپذیر است؛ زیرا پایه و اساس این مکتب فلسفی بر «نور» قرار داده شده است و سهروردی با استفاده از نماد نور یک دستگاه منظم و مفصل فلسفی ساخته است و از آنجا که در قرآن کریم، سوره‌ای به نام نور و در آن سوره، آیه‌ای به نام آیه نور وجود دارد و او به این آیه و آیات مشابه دیگر و احادیث مربوط به نور استناد مکرر دارد و نیز در موارد بسیاری مستندسازی او به آیات شریفه قرآن به‌طور کامل مشهود است و تأثیرپذیری وی مکتب از کلام وحی و حدیث کاملاً آشکار است.<sup>۳</sup> بلکه از این فراتر از نگاه وی ملاک صحت و اعتبار هر رأی و اندیشه، مطابقت و همخوانی آن با قرآن کریم است.<sup>۴</sup> زیرا او آشکارا بیان کرده که هر صاحب‌اندیشه‌ای اگر به ریسمان مستحکم قرآن چنگ نزند گمراه است و در پس‌رفتگی‌های دیواره چاه ضلالت سقوط کرده است.<sup>۵</sup>

۱. همان، ص ۲۵۸.

۲. این بحث در جلد نخست این نوشتار ذیل عنوان «پیروان و تأثیرپذیرفتگان شیخ اشراق» مورد بررسی قرار گرفت.

۳. شیخ اشراق، مجموعه مصنفات، ج ۳، ص ۱۸۲، ۱۸۹، ۲۹۵ و ۴۳۲.

۴. همان، ج ۴، ص ۱۰۲.

۵. همان‌جا.

حال باتوجه به اینکه ستون فقرات اندیشه، فرهنگ و تعلیم و تربیت ملت بزرگ ایران فرهنگ دینی و اندیشه اسلامی است استخراج دلالت‌های تربیتی این مکتب که از قرآن و سنت بهره‌ وافر برده ضرورت داشته و از اهمیت ویژه برخوردار است.

اما نکته پایانی این است که شیخ اشراق از میراث ماندگار حکیمان باستان در ایران، یونان، هند و بابل استفاده کرده و با تحلیلی نو به بازسازی آنها پرداخته است و چون آنها را با یافته‌های خود همراه و سازوار دیده، همه آن میراث را در تاروپود مکتب فلسفی خود وارد ساخته است.<sup>۱</sup> پیداست که دلالت‌های تربیتی چنین مکتب فلسفی در حقیقت دربرگیرنده دلالت‌های تربیتی حکیمان پیشین در ایران و یونان باستان است و امروزه نفس این کار و نتیجه‌ای که بر این کار مترتب است، بسیار نافع و درس‌آموز و عمیق و ارزشمند است؛ زیرا استفاده از میراث گذشته و بازسازی آن ساده نیست، بلکه به چهار امر بستگی دارد، نخست، اینکه باید میراث گذشته را باور داشت و بدان اهتمام ورزید؛ دوم، باید از دانش گسترده و احاطه بر حکمت عتیق و جدید برخوردار بود؛ سوم، برای احیا و بازسازی میراث گذشتگان باید ابتکار، مهارت و توانایی لازم را داشت؛ چهارم، باید در ارائه تفسیر و تحلیل جامع در مورد میراث گذشتگان توانمند بود و شیخ اشراق همه این چهار امر را داشت.

نتیجه: باتوجه به تاروپود پایه‌های اساسی فلسفه اشراق که با سیروسلوک معنوی تلازم دارد و نیز با عنایت به سطره قرآن و حدیث بر مکتب اشراق و مشتمل بودن آن بر آرای پیشینیان، استخراج دلالت‌های تربیتی آن، که مجموعه‌ای از معارف عقلی، شهودی و دینی را در پی دارد، از اهمیت ویژه برخوردار است.

لازم است یادآوری شود که: پیش‌فرض‌ها و مفروضات فلسفی اشراقی هرچند بر همه عناصر نظام تربیتی، اعم از مبانی، اهداف، اصول و روش‌های تربیت و نیز بر سازماندهی محتوا، نقش مربیان و متریبان و برنامه‌ریزی آموزشی و پرورشی تأثیرگذار است، اما نقش اساسی آن در سه حوزه مبانی، اهداف و محتوای آموزشی و پرورشی آشکار است.

#### ۴. ویژگی‌های نظام تربیتی اشراقی

هریک از دانشوران مسلمان و فیلسوفان متأله، براساس نوع رویکرد و نگاه خود به بررسی تعلیم و تربیت پرداخته‌اند، برخی با نگاه عقلی و فلسفی مباحث تربیتی را بررسی کرده‌اند و پاره‌ای با

۱. همان، ج ۲، ص ۱۰-۱۱؛ ج ۱، ص ۵۰۲-۵۰۳.

الهام گرفتن از یافته‌ها و داده‌های عرفانی، اندیشه‌های تربیتی را سامان داده‌اند و دسته‌ای دیگر با تکیه بر آموزه‌های وحیانی و سنت معصومان (علیهم‌السلام) دلالت‌های تربیتی را استخراج کرده‌اند. بُن‌مایه و جوهرهٔ تعالیم تربیتی اشراقی بر سه امر سترگ استوار است؛ یکی نور است که محور و مبنا بودن آن در دستگاه فلسفی اشراق آشکار است و دیگری مشاهدات و تجربه‌های معنوی هستند و سوم پیوند عمیق و تنگاتنگ میان مشاهدات و تجربه‌های معنوی و معرفت نفس و تهذیب نفس است. حال با عنایت به این امور بنیادین که نقش بی‌بدیل در نظام تربیتی اشراقی دارند، ویژگی‌های نظام تربیتی اشراقی را بررسی می‌کنیم.

۴-۱. نظام تربیتی مبتنی بر اندیشه، شهود و آموزه‌های دین: چنان‌که گذشت، نظام فلسفی اشراقی بر سه پایه: اشراق، برهان و قرآن و آموزه‌های دینی استوار است و سهروردی از هر سه منبع استفاده کرده است؛ پیداست بهره بردن از این سه منبع در کنار هم و استفاده صحیح از آنها در نوع نگرش نسبت به مبدأ هستی، جهان هستی و شناخت انسان، شیوهٔ کسب معرفت و ارزش‌ها، تأثیری انکارناپذیر دارد و بالتبع در امر تعلیم و تربیت، دلالت‌های تربیتی و در نوع بایسته‌ها و دستورالعمل‌هایی که در خصوص اهداف، اصول، روش‌ها و عوامل و موانع و مراحل و محتوای تعلیم و تربیت هستند، تأثیر شگرف بر جا می‌گذارد؛ زیرا نظام تربیتی، برآمده و استخراج‌شده از نوع نگرش نسبت به جهان، انسان، شناخت و ارزش‌هاست.

با مطالعه آثار سهروردی این نکته به خوبی به دست می‌آید که به‌طور کلی اندیشهٔ وی مستند به منابع گوناگون است و بالتبع نظام تربیتی اشراقی نیز چنین است. شاهد این مدعا آن است که در هر بخش از تربیت تنها به داده‌ها و یافته‌های اشراقی و عقلی بسنده نشده، بلکه به آموزه‌های دینی نیز استناد شده است؛ به‌ویژه در ارائه دستورالعمل‌های تربیتی از آیات شریفهٔ قرآن و روایات استمداد شده است، بلکه فراتر، مستندات دینی به‌عنوان معیار صحت آموزه‌های دیگر دانسته شده‌اند.<sup>۱</sup>

البته سهروردی در نظام تربیتی خویش از میان پایه‌های معرفتی اشراقی عرفانی، عقلی برهانی و دینی قرآنی، بر روی اشراق و شهود توجه ویژه‌ای کرده تا بدان پایه که می‌توان نظام تربیتی او را نظام اشراق و شهود دانست؛ هرچند در مقام تحلیل و تبیین از داده‌های عقلی و نقلی

۱. همان، ج ۴، ص ۱۰۲.



نیز بهره برده است، اما یافته‌ها و گفته‌های وی در باب تربیت نشان از آن دارند که نقش اشراق و شهود در آن پررنگ‌تر است. شاهد این مدعا نوع رویکردی است که شیخ اشراق بدان شناخته شده و نیز آثاری است که وی در دهه سوم عمر خود آنها را آفریده و نیز شیوه تربیتی اوست که از مسیر سیر باطنی و سلوک نفسانی می‌گذرد و همواره از مجاهدت و ریاضت و ذوق و شوق و حال و وصال و فنا و بقا سخن می‌گوید.<sup>۱</sup>

گذشته از اینها، سخن دلنشین سهروردی در مورد تابش انوار بر نفوس سالکان است. وی انوار را به سه دسته تقسیم می‌کند: ۱. در اوائل سلوک و تهذیب نفس، انواری ناپایدار و گذرنده به نام سوانح نوری بر دل سالک می‌تابند و توگویی دریچه‌ای از عالم معنا بر او گشوده شده و گوشه‌ای از جمال معشوق بدو نشان داده می‌شود؛ ۲. در صورتی که تهذیب نفس و مجاهدت و رشد معنوی سالک ادامه پیدا کند، ورود انوار بیشتر و پاینده‌تر می‌شود و انوار ناپایدار به نور ثابت یا نور سکینه تبدیل می‌شود و نشانش اطمینان خاطر و یقین و آرامشی است که سالک پیدا می‌کند؛ ۳. چنانچه توفیق سالک بیش از این باشد، انوار طامس بر او می‌تابند که در حال فنا روی می‌دهند و سالک به وسیله این انوار رفته‌رفته از غربت به درمی‌آید و به عالم انوار می‌پیوندد.<sup>۲</sup>

۴-۲. نظام تربیتی بر مدار معرفت نفس: بی‌تردید میان فرایند تربیت اشراقی و معرفت نفس پیوندی بسیار ژرف و استوار وجود دارد، تا بدان پایه که تنها در مدار معرفت نفس تربیت اشراقی دست‌یافتنی و قابل تبیین است؛ زیرا آغاز و انجام سیر نفسانی و طی مسیر آن وابسته به معرفت نفس است و تنها به یمن آن می‌توان به‌درستی مبدأ عالم را شناخت و به اسما و صفات او متصف شد و بدو تشبیه پیدا کرد و تربیت را تحقق عینی بخشید.

اهمیت معرفت نفس نه فقط در تربیت اشراقی، بلکه در اصل درک تعالیم اساسی اشراقی و فهم اسرار و دریافت حقایق نظام فکری اشراقی امری لازم و ضروری است. شهرزوری، شارح بزرگ حکمة الاشراق در این باره می‌نویسد: «و بالجمله، معرفة کلامه و حل کتبه و رموزاته متوقف علی معرفة النفس؛<sup>۳</sup> درک کلام شیخ اشراق و تحلیل کتاب‌های او و بازگشایی رموز آن در گرو معرفت و شناخت نفس است».

۱. همان، ج ۳، ص ۴۶۵.

۲. همان، ج ۲، ص ۲۵۲-۲۵۴.

۳. همان، ج ۳، ص ۱۴، مقدمه.

۳-۴. نظام تربیتی مبتنی بر تهذیب نفس: بُن‌مایه سیر باطن و تأمل نفسانی و معرفت نفس، تهذیب نفس است. معنا و مفهوم تهذیب نفس این است که آدمی درون را از آرایش‌ها، رذیلت‌ها، کدورات و کثافت‌های باطنی پاکسازی کرده، رفته‌رفته بتواند از تنگنای ظلمت و از دایره بسته خاکی خویش پای برون گذارد و از عالم ماده انقطاع حاصل کند و جان و دل خویش را آماده تابش انوار عوالم انوار قرار دهد و بر عوالم وجود و حقایق و اسرار آن آگاهی یابد و در میدان عمل، بدانجا بار یابد که بتواند در عالم وجود تصرف کند. بنابراین، بدون تهذیب نفس امکان تربیت معنوی و سیر نفسانی امکان ندارد.<sup>۱</sup>

وانگهی، به گفته شیخ اشراق، انسان غیر مهذب همواره مقهور و محکوم رذائل نفسانی خویش است و بی‌تردید رذیلت‌ها در راه رسیدن انسان به معارف و حقایق و حتی در زمینه دستیابی صحیح به علوم و آگاهی‌های عادی نیز ایجاد مانع می‌کنند و نمی‌گذارند حقیقت را به‌درستی دریابد. در نظر سهروردی، کمال انسان در این است که عقل نظری و عملی او تا حد ممکن پرورش یابد و این پرورش یافتن در هر دو حوزه، بسته به تهذیب نفس و مجاهدت نفسانی است و بدون آن میسر نیست و بدین مناسبت سهروردی در باب تربیت، کلمه تالّه را به‌کار برده است، تالّه به معنای خداگونه شدن است. وی تربیتی را جز این نمی‌داند که انسان خدامانند شود و پیداست نیل به تالّه از طریق تهذیب نفس و تصفیه باطن است.<sup>۲</sup>

در نگاه اشراقیان نیز ریاضت و تهذیب نفس مانند تفکر ناب، عامل دستیابی به معارف و حقایق است و بدین سبب توصیه سهروردی این است که قبل از شروع در فراگرفتن حکمة‌الاشراق (فلسفه سلوکی) چهل روز ریاضت کشیده شود.<sup>۳</sup>

به‌هرحال، تعلیم و تربیت اشراقی با امر تهذیب نفس و پاکسازی دل گره خورده است چنان‌که در نگاه افلاطون و نوافلاطونیان نیز چنین است و بدان تصریح کرده‌اند:

نفس انسان پرنده‌ای را ماند که بال و پر خود را از دست داده است و بلکه علت هبوط او، گرفتار شدن او در قفس تن و در حصار امور مادی و ریختن پر و بال اوست و تنها با تهذیب نفس و ریاضت، پر و بال درمی‌آورد و دوباره به عالم نخستین خویش بازمی‌گردد.<sup>۴</sup>

۴-۴. نظام تربیتی عشق و مهر: نظام تربیتی اشراقی مبتنی بر عشق و محبت است و چنین

۱. همان، ص ۲۲۹-۲۳۶.

۲. همان، ج ۱، ص ۵۰۳.

۳. همان، ج ۲، ص ۲۵۸.

۴. فلوطین، اتولوجیا، ص ۳۶.

مکتبی نسبت به مکاتب تربیتی فلسفی خالص و صرف از نظر علمی و تنوری و نیز از لحاظ عملی و کاربردی کارآمدتر و مؤثرتر است؛ زیرا عشق و مهر کلید تربیت است و این بدان سبب است که مهر و عشق بر تمام ابعاد و شئون وجود متری اثر عمیق می‌گذارد و در پس مهر و محبت، فرمانبرداری و تسلیم است.

به عقیده شیخ اشراق عشق و محبت، اصل و اساس حیات و پایه و مایه بقای موجودیت عالم است و همه حرکت‌ها و پویندگی‌ها و پابندگی‌ها و جنبش‌های گوناگون تحت تأثیر تام عشق، شوق و مهر است؛ از این رو، وی از میان مشرب‌هایی که دانشوران تربیت برای تربیت معنوی و تصفیه و تطهیر انسان برگزیده‌اند، مشرب مهر و عشق را برگزیده است و از یک سو از سریان عمومی عشق و مهر در همه موجودات زمینی، آسمانی و در سراسر عوالم نور و موجودات عالیه و عقول مجردة سخن گفته،<sup>۱</sup> و از سوی دیگر، عشق همه موجودات به منبع کمال و سرچشمه جمال را تبیین کرده است.<sup>۲</sup> و در کل از یک نظام مبتنی بر عشق سخن می‌گوید که در آن همه انوار از انوار برتر و فروتر بر پایه مهر و عشق به یکدیگر مرتبط و درهم‌تنیده شده‌اند، در این میان انوار عالی با عشق‌ورزی به خود، انوار سافل را پدیدار می‌سازند و انوار سافل با مهر و عشق نسبت به انوار عالی، به کمال می‌رسند و کاستی‌های آنها مرتفع می‌گردند و این درحقیقت همان رشد و پرورش است.<sup>۳</sup>

۴-۵. نظام تربیتی هماهنگ و یکپارچه: از ویژگی‌های نظام تربیتی اشراقی این است که عناصر و مؤلفه‌های آن نظام‌واره و هماهنگ هستند و نه تنها همه عناصر و مؤلفه‌ها از منابع و مآخذ یکسان استخراج شده‌اند، بلکه همه برای تأمین اهداف خاص اشراقی، به صورت هماهنگ جهت داده شده‌اند و نیز رابطه همه اجزائی که نظام تربیتی اشراقی را می‌سازند، رابطه‌ای نظام‌مند است. برای نمونه، در مکتب تربیتی اشراق، سلوک نفسانی است که انسان را انسان کامل می‌کند؛ با این حال، این سلوک نفسانی با معرفت نفس، تهذیب نفس، اشراق و شهود و عشق و مهر و تجربه‌های معنوی در ارتباط وثیق و عمیق و انفکاک‌ناپذیری است.<sup>۴</sup>

۴-۶. نظام تربیتی ایجابی و کاربردی: نظام تربیتی اشراقی جنبه کاربردی دارد و بی‌تردید با به‌کارگیری بایسته‌ها و راهکارهای عملی تربیتی می‌توان بدانچه در اهداف تربیت مشخص

۱. شیخ اشراق، مجموعه مصنفات، ج ۲، ص ۱۳۵-۱۳۷.

۲. همان، ۱۳۵-۱۳۶.

۳. همان، ۱۳۷.

۴. همان، ج ۱، ص ۱۱۴ و ۵۰۱؛ ج ۳، ص ۳۱۹، ۳۲۰، ۴۶۲، ۴۶۳ و ۴۶۵.

شده، دست یافت؛ به سخن دیگر، در نظام تربیتی اشراقی تنها تنوری پرداز می نشده، بلکه به لحاظ سلوکی بودن مکتب فلسفی اشراق در زمینه‌های گوناگون راهکار و دستورالعمل داده شده است. شاهد بارز آن توصیه عام سهروردی است که قبل از شروع در فراگیری حکمة الاشراق، چهل روز ریاضت کشیده شود.<sup>۱</sup> و نیز توصیه‌ها و دستورالعمل‌های مکرر وی در مباحث گوناگون است.<sup>۲</sup>

۴-۷. امکان تربیت برای همه: یکی از جاذبه‌های دلنشین نظام تربیتی اشراقی این است که اذعان دارد باب تربیت معنوی برای همه افراد باز است و رسیدن به علم شهودی و باریابی به عوالم نور منحصر به گروه خاص نیست و این مهم را به صراحت بیان شده است. سهروردی در آغاز کتاب حکمة الاشراق آورده است: تربیت نفس و رسیدن به علم شهودی، وقف گروه خاص نیست که آنان برخوردار شوند و دیگران محروم گردند، نه چنین است، بخشنده علم و معرفت و کمال حضرت باری است و او هرگز بخیل نیست و بدان جهت که هر انسانی کم و یا زیاد از نور الهی برخوردار است و هر شخصی دارای ذوق است خواه اندک و یا بیشتر. پس هر انسانی می‌تواند وارد میدان تربیت معنوی شود.<sup>۳</sup> البته گام نهادن در مسیر تربیت انگیزه لازم، عزم قاطع و اراده جدی می‌خواهد که در پاره‌ای از افراد و در برخی نسل‌ها و در موقعیت‌ها و شرایطی ممکن است چنین زمینه‌ای نباشد. به نظر سهروردی بدترین زمان‌ها زمانی است که زمینه تلاش معنوی نباشد و راه تربیت معنوی از دست‌رفته باشد.<sup>۴</sup>

۴-۸. ساحت‌های تربیت در نظام تربیتی اشراقی: آنچه در نظام تربیتی اشراقی بدان پرداخته شده تربیت عرفانی، تربیت اخلاقی، تربیت دینی و تا حدودی تربیت اجتماعی است؛ گستره نظام تربیتی اشراقی بدان پایه نیست که بتواند همه ساحت‌های تربیت و همه نیازمندی‌ها و خواسته‌های تربیتی را تأمین کند و بدین سبب در ساحت‌های تربیت عقلانی، جنسی و بدنی مباحث زیادی دیده نمی‌شود.

۱. همان، ج ۲، ص ۲۵۸.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۰۵-۱۰۷، ۱۱۱-۱۱۲، ۱۱۵ و ۱۱۹-۱۲۰.

۳. همان، ج ۲، ص ۱۰-۹.

۴. همان، ص ۱۰.

## فصل دوم

### نگاهی به مبانی تربیت در فلسفه اشراق

واژه مبنا از ریشه بنا اشتقاق یافته و به معنای پایه، اساس و پی‌نهاد است،<sup>۱</sup> براین اساس مبانی تربیت پایه‌ها و شالوده‌های تربیت به شمار می‌آیند و فرایند تربیت، بدان‌ها تکیه دارد. مبانی تربیت در اصطلاح تعلیم و تربیت، گزاره‌های توصیفی و تبیینی هستند که از ساختار و موقعیت ویژه انسان و از امکانات و قابلیت‌ها و محدودیت‌های او سخن می‌گویند؛ همچنین از جهان آفرینش و خصوصیات و قابلیت‌های تأثیرگذار آن و از امور مربوط به علم و معرفت و ارزش‌ها که زندگی و حیات انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهند، گزارش می‌دهند.

ویژگی‌های مبانی تربیت عبارت‌اند از: ۱. مبانی تربیت، اصول موضوعه و پیش‌فرض‌هایی هستند که از حوزه تعلیم و تربیت بیرون‌اند و از علوم دیگر استخراج شده و در آن علوم به اثبات رسیده‌اند؛ ۲. مبانی تربیت، به دلیل اینکه پایه‌ها و شالوده‌های تربیت به شمار می‌آیند، در انتخاب و تعیین اهداف و اصول و روش‌ها و دیگر مؤلفه‌های نظام تربیتی تأثیر مستقیم دارند و نیز در سازواری و هماهنگی همه این عناصر نسبت به هم و به‌طور کلی در شکل‌گیری نظام تربیتی دارای نقش جدی و تعیین‌کننده‌ای هستند؛ ۳. مبانی تربیت، در توجیه و تحلیل اقدامات و تدابیر تربیتی نقش ویژه دارند و بدین سبب، قوت و ضعف و کارایی و ناکارآمدی و موفقیت و عدم موفقیت هر مکتب تربیتی تا حدود زیادی وابسته به وثاقت و عدم وثاقت مبانی آن مکتب است.<sup>۲</sup>

براساس تعریفی که از مبانی تربیت ذکر شد، مبانی فلسفی و اندیشه‌های بنیادین اشراقی که در مورد هستی، عوالم وجود، مبدأ هستی، انسان، علم و معرفت و ارزش‌ها سخن می‌گویند، در

۱. ابن فارس، ترتیب مقایس اللغة، ص ۱۲۰؛ ابن منظور، لسان‌العرب، ج ۱، ص ۵۰۶-۵۱۲.

۲. بهشتی، مبانی تربیت از دیدگاه قرآن، ص ۲۵-۳۰.

حقیقت بحث از مبانی تربیت هستند با این توضیح که از مباحث مطرح شده در نظام نوری، مبانی هستی‌شناختی، جهان‌شناختی و خداشناختی تربیت به دست می‌آید و نیز از مباحث علم‌النفس اشراقی، مبانی انسان‌شناختی تربیت استخراج می‌شود و همچنین از مباحث معرفت‌شناختی و اخلاق، مبانی معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی تربیت استنباط می‌شود. لازم است یادآوری شود که جلد نخست این نوشتار به فلسفه تعلیم و تربیت اشراقی اختصاص داشت و در آنجا مبانی یادشده بررسی شده‌اند؛ از این رو نیاز به تکرار نیست و تنها به بیان نکات لازم و ضرور بسنده می‌شود، سپس مبانی استخراج شده بازخوانی و مرور خواهند شد.

### ۱. مبانی هستی‌شناختی، خداشناختی و جهان‌شناختی تربیت

نظام هستی در ادبیات اشراقی با عنوان نظام نوری شناخته شده است.<sup>۱</sup> نقش اساسی نظام نوری آن است که مجموعه شبکه عظیم هستی و همه عوالم وجود، حول محور نور و ظلمت تفسیر می‌شوند. نتیجه این رویکرد آن است که مجموعه هستی و همه عوالم وجود به عنوان نظام واحد، یکپارچه، هماهنگ، مرتبط و هم‌ساز بر مدار نور ظهور و بروز پیدا می‌کنند و هستی‌شناسی، خداشناسی و جهان‌شناسی اشراقی حول محور نور تبیین می‌شوند. پیداست چنین نگرشی در مورد نظام هستی، نقش بنیادین در فرایند تعلیم و تربیت، معنویت و اخلاق دارد.

در آغاز این بحث لازم است نکاتی را یادآور شویم:

الف) نظام هستی در نگرش اشراقی به نور و ظلمت تقسیم می‌شود، اما آنچه در این نگرش اصالت و حقیقت دارد نور است و ظلمت، نبود نور و امر عدمی و تبعی است و عین نقص، فقدان و ناداری است و چیزی نیست تا در برابر نور که ظهور و اظهار و روشنایی است، قرار گیرد. بنابراین، در نگرش اشراقی ظلمت مبدأ تأثیر نیست.<sup>۲</sup> از این رهگذر شیخ اشراق درباره پنداشته دوگانه پرستی و مبدأ قرار دادن نور و ظلمت چنین گفته است: دوگانه پرستی، گمراهی آشکار و خلاف عقل است و هیچ خردمندی آن را به زبان نمی‌آورد؛ هرچند به برخی از ارباب آیین‌های کهن ایرانی چون مجوسان و مانویان نسبت داده‌اند که اینان به دو مبدأ نور و ظلمت و خیر و شر قائل بوده‌اند و به جنگ ازلی میان خدای نور و خدای ظلمت اعتقاد داشته‌اند.<sup>۳</sup>

۱. شیخ اشراق، مجموعه مصنفات، ج ۱، ص ۵۰۵؛ ج ۲، ص ۱۰۷ و ۱۴۷؛ ج ۴، ص ۱۲۸.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۰۷-۱۰۸.

۳. همان، ص ۹-۱۰.